



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

آية الله جوادى املی



خمس وفی

در روایات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خمس و فیه در روایات

نویسنده:

عبدالله جوادی آملی

ناشر چاپی:

عبدالله جوادی آملی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خمس و فیه در روایات
۶	مشخصات کتاب
۶	خمس در روایات
۶	اشاره
۷	روایت ۰۱
۷	روایت ۰۲
۷	روایت ۰۳
۷	روایت ۰۴
۸	آیا معادن جزء انفال است؟
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

خمس و فیء در روایات

مشخصات کتاب

عنوان مقاله: خمس و فیء در روایات

رشته تخصصی: الهیات و معارف اسلامی نویسنده: آیه الله جوادی آملی

منبع مقاله: مجله پاسدار اسلام شماره ۱۹۷ اردیبهشت

خمس در روایات

اشاره

«و ما افاء الله علی رسوله منهم فما اوجفتم علیه من خیل و لا رکاب و لکن الله یسلط رسله علی من یشاء و الله علی کل شیء قدیر ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب و آن چه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید [شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن ناختید، ولی خدا فرستاد گانش را بر هر که بخواهد چیره می گرداند و خدا بر هر کاری تواناست. آن چه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا [این اموال عظیم] در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آن چه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید [و اجرا کنید]، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از [مخالفت] خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!» در خصوص خمس یا فیء که آیه محل بحث نیز همان را در بر دارد که فرمود: «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» روایاتی در جوامع روایی ما وجود دارد. این روایات را هم مرحوم کلینی رضوان الله علیه در کافی نقل کرده هم مرحوم صدوق، منتها کار مرحوم کلینی دقیق تر و منظم تر از مرحوم صدوق و شیخ طوسی است چون آن‌ها این تنظیم و تبویب را از مرحوم کلینی آموخته‌اند. مرحوم کلینی بحث فیء و انفال و خمس را در فروع دین ذکر نکرده است. کتاب کافی هشت جلد است: جلد اول و دومش مربوط به اصول است، جلد هشتم آن روضه کافی است، که مواعظ و قصص است، و پنج جلد بقیه فروع کافی است از طهارت تا دیات. مرحوم کلینی خمس و فیء و انفال را در فروع کافی ذکر نمی‌کند، بلکه در اصول کافی آورده است ولی زکات را در فروع کافی مورد بحث قرار می‌دهد. سر این کار آن است که تقسیم فیء از شئون امامت است. مرحوم کلینی وقتی بحث امامت و احکام، اوصاف، شرایط، وظایف و اختیارات امامت را تبیین می‌کند انفال و خمس و فیء را آن جا بیان می‌کند. این نشان می‌دهد که خمس یک امر ولایی و حکومتی و مخصوص امام است. در کتاب شریف اصول کافی جلد اول، بعد از آن که بحث توحید و امثال آن به پایان می‌رسد و کتاب الحجه شروع می‌شود آخرین باب‌اش این است که «ان الائمه علیهم السلام کلهم قائمون بامر الله تعالی هادون الیه»، بعد از این دو باب دیگر دارد: یکی «باب صله الامام» و دیگری هم «باب الفی و الانفال و تفسیر الخمس و حدود ما یجب فیء». مرحوم صدوق رضوان الله علیه در کتاب شریف «توحید» جریان مشرف شدن حضرت عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه را به حضور امام دهم (ع) این گونه نقل می‌کند که: ایشان عقاید خود را به امام زمانش عرضه می‌کند و امام (ع) می‌فرماید: این عقاید حق است بر همین عقیده باش. در این عرض عقیده حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه اصول دین هست و از فروع دین، نماز و زکات و حج و امثال آن هست ولی اصلاً سخنی از خمس نیست. عده‌ای پرسیده‌اند پس خمس چه شد و چرا حضرت عبدالعظیم اسم خمس را نمی‌برد اما با وجود این، حضرت هادی سلام الله علیه می‌فرماید: این عقیده حق است و بر همین عقیده باش برخی به

زحمت افتاده‌اند که آیا خمس داخل در زکات است و همین که حضرت عبدالعظیم فرمود من معتقد به زکاتم همین کافی است؟ یا نه خمس داخل در امامت است و اگر کسی معتقد به امامت باشد معتقد به خمس و فء و انفال هم هست؟ چون این‌ها اموال امام هستند. اینک بعضی از روایت‌های خمس را نقل می‌کنیم:

روایت ۰۱

در باب صله الامام علیه السلام چند روایت هست. این روایات فراوان است و مضمون آن‌ها هم مشترک است لذا اگر بعضی از نظر سند ضعیف باشند بعض دیگر، آن‌ها را جبران می‌کنند. و اما این روایت گرچه مرفوعه است ولی مضمونش در روایات دیگر هم هست. قال ابو عبدالله علیه السلام: «من زعم ان الامام يحتاج الى ما في ايدي الناس فهو كافر» این کفر ولایی است نه کفر اعتقادی، نظیر آن چه که در ذیل مقبوله آمده است که رد بر حاکم شرع، رد بر امام است و رد بر امام به منزله رد بر خداست و رد بر خدا شرک است. این شرک یا کفر، عملی است نه اعتقادی؛ نظیر آن چه که درباره ترک حج یا ترک نماز آمده است. «انما الناس يحتاجون ان يقبل منهم الامام»، مردم محتاج هستند که امام از آن‌ها قبول کند، چرا؟ چون خدا فرمود: «قال الله عز وجل: خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكهم بها» این‌ها ناپاک‌اند و به وسیله صدقه پاک می‌شوند و صدقه راتا امام نگیرد این‌ها طاهر نمی‌شوند. گرچه یکی از کارهای ائمه علیهم السلام همان تزکیه است که «يعلمهم الكتاب و الحكمة و يزكهم» یکی از راه‌های تزکیه هم دستور پرداخت زکات است، اما آن چه که انسان را پاک می‌کند خود عمل است که به دستور آن‌ها پاک می‌کند.

روایت ۰۲

روایت دیگر همین باب از امام صادق سلام الله علیه است که: «ان الله تعالى لم يسال خلقه ما في ايديهم قرضا من حاجه به الى ذلك». این که در آیه شریفه آمده است که: «من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا» از روی حاجت نیست بلکه می‌خواهد مردم را به کمال برساند. آن گاه فرمود: «و ما كان لله من حق فانما هولوليه» این روایت نشان می‌دهد آیه کریمه که فرمود: «واعلموا انما غنمتم من شىء فان لله خمسه و للرسول و لذى القربى» همه این سهام به ولی الله برمی‌گردد. درباره «فء» فرمود: «ما افاء الله على رسوله من اهل القرى فله و للرسول» این سهام به رسول الله برمی‌گردد. نمی‌توان گفت که با رفتن رسول، حق این احکام ساقط و تعطیل می‌گردد.

روایت ۰۳

روایت دیگر این باب که موثقه است و مثل صحیححه است این است که ابن فضال از ابن بکیر نقل کرده است: قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام «يقول انى لاخذ من احدكم الدرهم و انى لمن اكثر اهل المدینه مالا»، من نسبت به سایر اهل مدینه وضعم بهتر است اما من هرچه شما بدهید ولو یک درهم می‌گیرم، «ما اريد بذلك الا ان تطهروا» برای این که شما پاک بشوید، پس آن چه را امام می‌گیرد یقینا خمس را شامل می‌شود، چون صدقه و زکات که بر این‌ها حرام است. پس همان طوری که زکات مطهر است خمس هم مطهر است. فرمود من نیازی به مال شما ندارم اما اگر شما یک درهم به من بدهید من این را می‌گیرم و هدفی جز تطهیر شما ندارم چون، ما موظف به تزکیه شما هستیم و راه تزکیه نیز همین است. اگر چنان چه این مال این گونه است که اگر کسی آن را داشته باشد آلوده است چه بهتر که انسان کم‌تر به دنبالش باشد.

روایت ۰۴

باب دیگر که به عنوان «باب الفیء والانفال و تفسیر الخمس» است، چندین روایت دارد، روایت هفتم آن این است: سئل عن قول الله عزوجل «واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول ولذی القربی» فقیل له فما کان لله فلمن هو؟ عدهای از فقهای عامه می گفتند این «لله» برای تبرک ذکر شده است، اصلا سهمی برای الله نیست و عده دیگری هم می گفتند: «ما کان لله یصرف فی تعمیر بیت الله» حال یا بیت الله همان کعبه است یا مسجدی است مربوط به همان منطقه‌ای که خمس در آن گرفته شده است، عده دیگری هم می گفتند: الله که تبرک است، للرسول هم که از دنیا رفته است پس خبری از این سهام ثلاثه نیست. فقال علیه السلام: «لرسول الله»، آن چه که برای خداست در اختیار پیامبر است «و ما کان لرسول الله فهو للامام» پس همه این سه سهم در اختیار امام قرار می گیرد. «فقیل له افرايت ان کان صنف من الاصناف اکثر و صنف اقل ما یصنع به» اگر بعضی از این اصناف بیش تر از صنف دیگر باشند مثلا- ایتم از دیگران بیشتر باشند یا بالعکس تکلیف چیست؟ آیا به همه یکسان باید داد یا تفصیل قائل شد؟ فرمود: «ذاک الی الامام ارایت رسول الله صلی الله علیه و آله کیف یصنع»، هر کاری که پیامبر می کرد امام هم می کند تا ببیند مصلحت چه اقتضا می کند. «الیس انما کان یعطى علی ما یری» مگر نه آن است که پیامبر اگر بود به هر نحو که صلاح می دانست توزیع می کرد، «کذلک الامام». سایر روایاتی که در همین زمینه هست در بیان خمس است و آیه کریمه را توضیح می دهد که مراد از «واعلموا انما غنمتم» مطلق درآمد است نه خصوص غنائم جنگی. پس مال، وسخ نیست بلکه ارتباط انسان با مال غیر، وسخ است، اگر آن مال، ذاتا وسخ باشد چنان چه به دست ولی مسلمین بیفتد که تبرک نمی شود. جرم مال و عین مال وسخ نیست، زیرا همین مال وقتی به دست ولی مسلمین می افتد تبرک می شود و می توان آن را صرف تعمیر کعبه کرد چون یکی از مصارفش فی سبیل الله است. گرچه ممکن است اموال خصوصیتی داشته باشند که نتوانند مورد مصرف ائمه علیهم السلام واقع شوند اما آن چه که مهم است تعلق به مال است نه عین مال، انسانی که زکات می دهد این تعلق را قطع می کند و وقتی به دست ولی اش رسید تبرک می شود. این چنین نیست که با اوساخ و چرک ها بتوان حوزه های علمیه را اداره کرد یا بیت الله را تعمیر نمود یا مرزهای اسلامی را حفظ کرد. پس خود انسان متوسخ است و با این پرداخت از این چرکین بودن بیرون می آید این چرک کجاست؟ «کلا- بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون» فرمود کارهای انسان، او را چرکین می کند، منتها این نوع چرک در بدن انسان نیست که دیده شود، چون تعلق به مال که به بدن انسان وابسته نیست، بلکه به قلب آدمی وابسته است، و برای این که رین قلب خود را شست و شو کند آن مال را می پردازد آن گاه پاک می شود و شکر می کند که پاک شده است.

آیا معادن جزء انفال است؟

مسئله دیگری که مربوط به این کریمه است این است که آیا معادن مطلقا جزء «وما افاء الله علی رسوله» و جزو انفال است یا مطلقا ملک شخصی است؟ بعضی بر آن اند که معادن مطلقا جزء انفال است، وقتی انفال شد دیگر فله و للرسول است و توزیع آن هم به عهده رسول و بعد هم به عهده ولی حق است. برخی دیگر معتقدند که معادن مطلقا جزء املاک شخص است، در ملک هر کس معدنی بود هر کس آن را استخراج کرد مال اوست منتها خمس اش را باید پردازد. قول سوم، تفصیل در مسئله است؛ یعنی معتقدند: معدن تابع زمین است اگر آن زمین جزء انفال بود نظیر آن چه که «لم یوجف علیه خیل و لا رکاب» و مانند آن معادنی هم که در آن زمین هست جزء انفال است و اگر در املاک شخصی بود جزء اموال شخصی است. آنان در این مورد به ادله خمس استدلال می کنند و می گویند چون در معدن خمس هست معلوم می شود ۴ / ۵ آن، برای مالک است، و ۱ / ۵ آن به عنوان خمس باید تادیه شود. گاهی هم گفته می شود که این مسئله ثمره عملی ندارد فقط ثمره علمی دارد چون معدن چه جزء انفال باشد و چه نباشد بالاخره برای کسی که استخراج می کند حلال است، اگر جزء انفال نباشد که طبق حکم ابتدایی خدای سبحان نظیر املاک شخصی حلال است و اگر جزء انفال باشد روی اصل تحلیل که ائمه (ع) انفال را برای شیعیان تحلیل کرده اند هر کسی معدنی را

استخراج کرد مال اوست. این خلاصه آرای سه گانه درباره معادن بود. از آن جا که برخی می گویند بحث درباره این که معدن جزء انفال است یا جزء انفال نیست ثمره عملی ندارد و فقط یک مسئله علمی است، اما حق این است که معدن مطلقا جزء انفال است و ثمره عملی هم دارد، زیرا اولاً: خود معدن اصولاً در بعضی از روایات جزء انفال شمرده شده و ثانیاً: اصل ملکیت، حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه ندارد، گرچه بخشی از امور و برخی از حدود را شارع معین کرده است که چه چیز ملک است و چه چیز ملک نیست، اما اصل ملکیت و حدود آن تا آن جا که از طرف شارع منعی نیامده باشد جزء حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه نیست بلکه یک امر عقلایی و عرفی است، نظیر نماز یا روزه نیست که یک حقیقت خاص شرعی به عنوان حقیقت مستنبط داشته باشد، چون اصل ملکیت و حقیقت آن، حقیقت شرعی ندارد. بنابراین نحوه تبیین ملکیت براساس بنای عقلا است الا ما خرج بالدلیل و هرگز بنای عقلا بر این نیست که چیزی که در دل خاک متکون می شود نه خود شخص از آن خبر دارد، نه نیاکان او از آن باخبر بودند، نه فروشنده از آن خبر دارد و نه خریدار، ملک مطلق صاحب زمین بدانند. آن معدن نظیر یک تکه سنگ نیست که اگر زیر ملک کسی درآمد مال صاحب ملک باشد و محذور و مانعی نداشته باشد. اگر کسی فتوا داد که معدن زمین، مال صاحب زمین است باید به همه لوازم آن ملتزم باشد گاهی پی آمد این فتوا این است که یک روستا یا شهرستان و استان و کشور برده یک شخصی می شود؛ بدین صورت که اگر در زمین کسی معدن فت یا طلا درآمدا این معدن مال اوست، اگر کسی فتوا داد که معدن تابع زمین است و معدن نفت هم در این زمین درآمده، معنایش این است که کل این کشور برده این شخص گردند، این می شود «دوله بین الاغنیاء منکم». حکم هایی که خطوط کلی قرآن را مشخص می کند حاکم بر ظواهر تمام ادله است، انسان به مجرد بعضی از اطلاق ها که چون زمین مال اوست و این اطلاق دارد، چه بالای زمین چه پایین زمین، فتوا بدهد معدنی که در دل زمین، شکل گرفته مال این شخص است، این با خطوط کلی ای که قرآن تبیین کرده، مثل «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» سازگار نیست. بنابراین معدن مطلقا جزء انفال است و جزء اموال خاص حکومت و ولی مسلمین است. مسئله ثانی که گفته شد اثر عملی ندارد و اثر علمی دارد برای این که چه ما قائل بشویم به این که معادن جزء انفال است چه قائل باشیم به این که معادن جزء انفال نیست در هر دو حال بعد از تخمیس ۴۵ آن، ملک طلق اشخاص است. سخن فوق درست نیست، چون اگر ما قائل شدیم که معدن ملک شخصی است که این چنین نیست ثمره عملی اش این است که ۴۵ آن، مال اوست و ۱۵ آن را باید به عنوان خمس ادا کند. ولی اگر قائل شدیم مال ائمه (ع) است و جزء انفال هست و آن ها تحلیل کردند، این تحلیل یک حکم حکومتی است. یک وقت می گویند آب حلال است این یک حکم تشریحی است نه حکم حکومتی، گاهی می گویند سبب حلال است این یک حکم حکومتی نیست حکم اولی شرعی است، زمانی می گویند آن چه که برای ماست، برای شیعیان حلال کردیم. اگر چنانچه چنین فرمودند این حکم حکومتی است لذا سلسله این روایات را باید بررسی کرد؛ بدین معنا که آن چه از امام اول رسیده کافی نیست باید دید که آیا امام دوم هم تحلیل کرده یا نه؟ این روش را سیدنا الاستاد مرحوم محقق داماد رضوان الله تعالی علیه در باب روایات تحلیل خمس پیمودند، ایشان همه روایاتی که درباره تحلیل خمس آمده ست یکی پس از دیگری بررسی کرده اند تا به روایات حضرت حجت (س) برسند، چون تحلیل خمس نظیر تحلیل آب گوارا با میوه و گوشت، نیست که حکم شرعی ابتدایی داشته باشد بلکه یک حکم حکومتی است، در این صورت باید ببینیم امام بعدی هم تحلیل کرده یا نه، این یک راه. راه دیگر رجوع به ولی فقیه است، چون در زمان غیبت، فقیه جامع الشرایط به جای امام معصوم (ع) نشسته است باید ببینیم او هم تحلیل کرده یا نه، لذا استفتایی که اخیراً از حضرت امام رضوان الله تعالی علیه شده است گویا صریحاً بیان کرده اند که معادن چه روی زمین چه زیر زمین، چه استنباط و استخراجش و استکشافش هزینه داشته باشد و چه نداشته باشد کلاً جزء اموال دولت است. این فرض ندارد که کسی کوهی را بخرد و هیچ نقشی نداشته باشد بعد معلوم بشود که این کوه، معدن طلا است و همه آن مال او باشد، از طرف دیگر، این دستور الهی را هم داشته باشیم که «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» این است که احکام حکومتی را باید ولی مسلمین تبیین کند که آیا تحلیل کرده است یا تحلیل نکرده است.

پس دو مسئله روشن شد: یکی این که معادن مطلقاً جزء انفال است نه این که تابع زمین باشد، دوم این که نه فقط ثمره علمی بلکه ثمره عملی هم دارد. خطر گردش مال در بین اغنیا اصل کلی این است که مال نباید بین اغنیا توزیع گردد و اغنیا که سفیهانند نباید صاحب اموال باشند، برابر همین مضمون نامه‌ای از حضرت امیر سلام الله علیه هست که به مردم مصر می‌نویسد. در جریان عهدنامه مالک اشتر رضوان الله علیه دو نامه مطرح است: یک نامه همان فرمانی است که برای مالک اشتر نوشته و در آن آیین کشورداری را مشخص کرده است، نامه کوتاه دیگری هم برای مردم مصر نوشت و به آنان تفهیم کرد که نگویند ما استان‌داری چون مالک و رهبری چون علی ابن ابی طالب داریم، چون رهبر اگر هم علی ابن ابی طالب باشد مادامی که مردم آگاه و در صحنه نباشند دشمن پیروز خواهد شد. دشمن تیز هوش خطرناکی در کمین ما نشسته است: «ان اخا الحرب الارق» کسی که در زمان جنگ به سر می‌برد نباید بخوابد «و من نام لم ینم عنه» و هر کس بخوابد دشمن بیدارش که نمی‌خوابد بر او می‌تازد. یکی از فرازهایی که در آن نامه هست و محل بحث ماست این است که فرمود: «و انی الی لقاء الله لمشتاق و حسن ثوابه لمنتظر راج» این چنین نیست که من اضطرابی داشته باشم که در دنیا بمانم و دیر بمیرم، من مشتاق لقای حق و منتظر ثواب اویم اما نمی‌خواهم که امر مردم را سفها اداره کنند: «ولکننی آسی ان یلی امر هذه الامه سفهاوها و فجارها فیتخذوا مال الله دولا و عباده خولا و الصالحین حربا و الفاسقین حزبا». من گرچه ترسی از مرگ ندارم اما متاثر و متاسفم و غمگینم که والی این امت، سفیهان و فاجران بشوند در آن صورت مال خدا را دول قرار بدهند. همین «دوله بین الاغنیاء منکم». اگر مال الله را دول قرار دادند که شد «دوله بین الاغنیاء منکم» آن گاه عبادالله را خول و بنده خود می‌کنند چون رگ حیات مردم اقتصاد است و اگر به دست سفیهان بیفتد مردم برده آنان می‌شوند و قهرا با صالحین می‌جنگند و فاسقین را حزب خود قرار می‌دهند: «و الصالحین حربا و الفاسقین حزبا». این بیان حضرت امیر(س)، به تفصیلی که گفته شد، ریشه قرآنی دارد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

